توئیزر

یهزاد توفیق فر

زبر
اصولاً دیپلماسی زبر و رو ندارد، یعنی دارد ولی خیلی بامهم فرق ندارند. شما چه زبر باشی و چه رو، در هر صورت بازی باخته را باخته‌ای رفته پی کارش! این را ما نمی‌گوییم، متخصصان امر در تیم‌های مجرب و متبحر مذاکره و اینها می‌گویند و نتیجه می‌گیرند که خیلی نباید دنبال این باشی که چه داده‌ای و چه گرفته‌ای! بلکه باید نگاه مادی به دیپلماسی را کنار گذاشته! و بروی دنبال معنا! اینطوری می‌شود که همیشه بازی را بُرد - بُرد تمام کرده می‌شوی و نیش مبارکت هم باز است. شاعر هم چه گفته نه؟ خودش گفته و می‌تواند بسرود از این به بعد برای عمامش شعر بگوید.

آفتاب
هنوز چند دقیقه از خبر رهبر معظم انقلاب مبنی بر اطلاع ایشان از نامه خیلی محرمانه ترامپ به سران کشورهای عربی نگذشته بود که سرور اپلیکیشن خشکسوی در هفت - هشت - ده جای اروپا و آمریکا قفل شد و مشاوران و وزیران و بقیه اعوان و انصار شیطان بزرگ، انگشت به دُنبال، همانطور که داشتند با یک دست توی کمد لباسشان دنبال شلوار تمیز می‌گشتند، به همدیگر شکلک «دود از کله بلند شو» فرستادند بعدترش نوشتند و گفتند که بله! یعنی نخیر! نامه‌ای نبود! یعنی بود! ولی اونطوری‌ها هم که می‌گویند نبوده و ترامپ قبلی اعلام کرده! اینکه اگر کشورهای دیگر تحریم کنند شیر حاشیه خلیج‌فارس را دارد و کلفت‌تر از فحش مادر به آنها نمی‌دهد و ما هم از اول می‌دانستیم! تازه!

برجام
من عاشق وزیرها و مدیرهای این دولت هستم. یک چیزی می‌گویم یک چیزی می‌شنوید! یعنی اینقدر اینها گوگوری مگوری و بانمک و لَپ‌کشانی هستند که آدم حیفش می‌آید دست به آنها بزند، بـه جان کدخدا! مثلاً سر همین قضیه گلایی‌های برجام که زغال‌اخته از آب درآمده‌اند. هریک از وزرا و مدیران به فراخور امورات زیردست خودش یک چیزی گفت. گفتنی‌اَی وزیر نفت گفت خروج آمریکا از برجام تأثیری در فروش نفت ندارد! وزیـر راه گفت خروج آمریکا از برجام تأثیری در کشتیرانی و ترابری ما ندارد. وزیر ورزش و نیرو و صنعت و حتی رئیس کل بانک مرکزی هم گفتند خروج کشور موردنظر از توافق موردنظر، تأثیـری در بازی و برق و موردنظر ما ندارد. خب عشقولی‌های من! اگر خروج وی از برجام تأثیری در اینها ندارد، پس ما اصلا از اول برای چه راهش دادیم بیاید داخل برجام؟!

خرید و فروش

معده استیجاری
مجهز به زخم های چرکی خوب نشو
حداقل یک ماه آتی
پیوند درب منزل

پیامو سان دوتابعیتی
ویژه سلبریتی ها
تشخیص خودکار کمپین وحمایت از آن
تیک سوم کش فوری
مجهز به غلطگیر هوشمند
مرگ بر دلیت کن فوری

کتاب تاریخ دستاوردهای پیشاهخامنش
نگارش: قاضی زاده
براساس مشاهدات عینی و زنده نگارنده
تخفیف ویژه به منتقدین دولت

جزوه خوش خط
در ۶ رنگ –پاس کن تضمینی
به همراه آبدی در تمام پیامرسانها
زیر قیمت بازار

ابراهیم کالشی مقدم

پشه منو نخور!

هفته گذشته نتانیاهـو که میزبـان نخسـت وزیر ژاپن و زنـش بود به جای پشقاب توی کفش به آنهـا غذا تعارف کـرد. از آنجا که کفـش منفورترین ژیز در فرهنگ ژاپنی‌هاسـت، رسـانه های بین‌المللی این ماجرا رو بی احترامی به ژاپـن قلمداد کردند، اما به نظر من اصلا هم اینطور نیسـت. چرا؟ چون...

اولاً وقتـی روی میز رئیـس جمهور آمریکا تلفن پاناسونیک اسـت پس روی میز نخسـت وزیر ژاپـن هم گیـره گرفتای! بلکه باید نگاه مادی به دیپلماسـی را کنار گذاشـته! و بروی دنبال معنا! اینطوری می‌شـود که همیشـه بازی را بُرد - بُرد تمام کرده می‌شوی و نیش مبارکت هم باز اسـت. شـاعر هم چـه گفته نه؟ خـودش گفته و می‌تواند بسرود از این به بعد برای عمامش شعر بگوید.

تور فصلی

تور ایرانگردی
درجه۱: هرشب یک استان
درجه ۲: ۳ تا ۹ شب (حومه شهرتان)
+ صبحانه، ناهار و شام
ویژه معتقدین معدور
ظرفیت محدود

زهرا فرقانی

طفل بی‌پدر در جوب!

یک چند اگر زندگی مختل شد
گر مسکن و اشتغال یک معضل شد
یا صنعت هسته‌ای به کل منحل شد
اینک همه مثل آب خوردن حل شد.

فریاد شعف از دل مردم برخاست
برجام بدون کدخدا هم برجاست

از ریشه اگر درخت محکم شد شد
از بار کلایش اگر خم شد، شد
از پنج و یکـه، یکی یکی کم شد شد
برگشت خودش و بار آدم شد، شد.

رفته، به جهنم برود هر جا خواست
برجام بدون کدخدا هم برجاست

امروز که چرخ هسته‌ای معیوب است
اوضاع دلار و سکه نامطلوب است
برجام چو طفل بی پدر در جوب است
گر حال رئیس‌مان زیادی خوب است

اصلا نکنید شک، همه باد هواست
برجام بدون کدخدا هم برجاست

دلخوش نکنید بر شهاب و کاشف
جاسوس کنار عالم است و عارف
در میکروفون و پلیه هر و هاش اف
برجام اگر پریده FATF!

باید که نپرسید شبیه هولوکاست
برجام بدون کدخدا هم برجاست

با دشمن داخلی چو دیدار کنیم
هرچیز رسیدیم به او بار کنیم
گفتند چه گفتند! پهِ انکار کنیم
یک ریز شبیه شیخ تکرار کنیم

دلواپس بزدل چناح چپ و راست
برجام بدون کدخدا هم برجاست

گفت‌وگو: علی میرزایی

گفت‌وگو با عباس گودرزی، کاریکاتوریست

یارانه‌ام را می‌برم در بازار ارز

آدم‌ها جوراجورند. یک عده شنیدنی هستند یعنی حرف‌های شنیدنی دارند؛ یعنی‌های دیگر هم دیدنی هستند یعنی باید بروی از نزدیک آنها را ببینی. یک عده خاص هم هستند که هم دیدنی و هم شنیدنی هستند. «عباس گودرزی» کاریکاتوریست خوش‌اخلاق وخندیدو، یکی از آدم‌های شنیدنی و دیدنی اطراف ماست. گپ و گفت جمع‌وجور این هفته را مهمان حرف‌های شنیدنی این مـدرس کاریکاتور هستیم.

س: آقای گودرزی، چون ما با بی‌شناسنامه‌ها نمی‌توانیم مصاحبـه کنیم، لطفاً همین ابتدا تعیین موضع بفرمایید که اصولا شناسنامه دارید یا نه؟

چ: بنده خوشبختم که در حال حاضر با گواهی افراد معتبر، بی‌شناسنامه نیستم. خدمت بعضی‌ها هم عرض کنم که شما هم ما را به کپیش خود مبتدل لطفاً!

س: این روزها که کمتر کسی حاضر است مسـوولیت فیلرشـدن تگرام معمولا جفدر ازوقت خودتان را در اینترنت یااصطلاحا آنلاین هستید؟

چ: راسـتش را بخواهید رابطه شـخصی من بـا خود اینترنـت خیلـی خصوصـی اسـت؛ بنـده حـدود یـک دهه قبل با پادمرطبی وبـلاگ توانسـتم بـا شخص اینترنت و فضای مجازی آشنا شـوم. این آشـنایی در حال حاضر چنان صمیمی شده که به مرحلـه آرامت قلبی رسیده و مقادیری هم مایه دردسـرم شده است چون الان تقریبا هر روز و هر سـاعت در شـبکه‌های اجتماعی، حضور به هم می‌رسـانم و از این طریق در دسـترس دوستان هستم.

س: پس اهل این شعار هستید که «بدون اینترنت هرگـز، با اینترنت شاید»؟!

چ: دروغ چـرا؟ تصـور یـک روز بـدون اینترنت باعث ایجاد درد شدید عضلانی در وجودم می‌شود. البته در مقاطعی دنبال درمانش هم رفتم ولی چون مشکل بنده در کشـور ما عمومیت دارد و افراد مبتلا به این معضل، یکی دو نفر نیسـتند و امکانات هم طبق معمول محدود اسـت، فعلاً موفق به درمان نشده‌ام.

س: شما باقیمانده یارانه هر ماه خودتان را کجاسرمایه‌گذاری می‌کنید؟

چ: هر ماه بعد از واریز شدن یارانه و بعد از اینکه هزینه امـورات زندگی و اوقات فراغت را با یارانه پرداخـت کـردم، باقیمانده مبلغ را بیشـتر در بازارهای نفتی بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌کنم. فقـط اخیرا در فروردین‌ماه، با مازاد یارانه به بازار زر و دلار داخل هم وارد شـدم که باعث جهش دوبرابری قیمت دلار و مکدر شدن طبع وسیعی از مسـوولان شد.

س: در چه زمان هسـتید کـه در حال حاضر قیمت دلار، کاملا مطلوب است؟

ج: صدالبته الان. شکر خدا دلار همان ۴۲۰۰ تومان است و «گرانی» و «تـورم» و «بیـکاری» هم منفرض شده و همه‌چی اَرومه. ضمنا شما هم درباره دغدغـه اصلی مردم سوال ببرس جانم!

س: مگر دغدغه اصلی مردم چی هست؟

ج: طبق سال‌های دانشجویی و سربازی در کرمان و استان خودمان لرستان، بانشریات مختلف همکاری داشـتم تا اینکه اواسط دهه هشتاد، توانستم آثارم را بـه روزنامه جام‌جم معرفی کنـم و از آنجا وارد رسانه‌های سراسری شدم و توانستم طی سال‌های بعد برای روزنامه جوان، خبر گزاری فارس و جاهای دیگر، کار بکاتور بکشم.

س: چقـدر بـه زندگی فکر می‌کنیـد؟ اصلاً زندگی شما چه رنگی دارد؟

ج: من خیلی بهش فکـر نمی‌کنم. گهگاهم زندگی خیلی بیشتر به من فکر می‌کنه چون هیچ‌جوری کمال صداقت باید اعلام کنم که دسـتپخت ایشـان را ترجیح می‌دهم و از همین‌جا عرض سلام و ادب دارم محضر ایشان و جا دارد بگویم که تبعات سیاسـی این موضع‌گیری را هم می‌پذیرم.

س: از جایگاه کسی که بارها روح برجـام را با قلم خـودش احضار کرده و به تصویر کشـیده است، آیـا صلاح می‌دانید هنـوز هم بعضی افراد بـه موجودیت روح برجام اعتقاد داشته باشند؟

چ: برجام؟ منظـورت همان آفتاب تابانی هسـت که بعد گفتند گلابی است و نهایتا هم طی فرایند خاصی، ترامپیده شـد و مرحوم شـد و رفت به دیار باقی؟ من که می‌گویم خوب نیسـت پشت سـر میّت حرف بزنیم! حالا ایـرادی هـم ندارد، اگر کسـی خیلی دوسـت داشت، می‌تواند همچنان اعتقادش را به روح برجام حفظ کند.

س: آقای گودرزی! چطوری وارد فضای هنر کاریکاتور شدید؟

چ: بالتمامی! چون خانواده، حضور در عرصه هنر را متناسـب با نیازهای ملّی زندگی نمی‌دانستند، با اصرار و التماس وارد هنرسـتان شدم و بعد هم در دانشگاه کرمان، رشته نقاشی را با توسل به روش حضور زوری، ادامه دادم و الان یک کاریکاتوریسـت موفق هستم!

س: جسـارتاً با چه عیاری فهمیدید که یک کاریکاتوریست موفق هستید؟

چ: راسـتش دهه هفتـاد بود کـه در کرمان با یک گروه کاریکاتوریسـت در وزارت ارشاد وارد فـاز همکاری شـده بودم. همانجا موفق شـدم کاریکاتوری بکشـم که باعث بسـته شدن یک نشریه دانشجویی شد!

راه راه

علی بهمنی

هیأت عقلا

جزئیات جلسه اضطراری پاسخ ایران به خروج آمریکا از برجام

پس از خروج دولت آمریکا از برجام جلسه اضطـراری مسـوولان امر جهت بررسـی راه حـل پاسـخ بـه ایـن اقـدام آمریـکا برگزاریـد. با توجه به اینکه اصلا محرمانه ندارید، گزارش این جلسه تقدیم می‌شود:

روحانی: دوسـتان ناسـلامتی ما عقلای قوم هسـتیم، پس یک کاری بکنید! اول یکی به من بگه مگه ما ۳-۲ تا نبرده بودیم؟ مساوی با حداقل ۶۰-۰ هم خوبه!

ترکان: مگه مسـابقه قرمه سبزی یا آبگوشت بزباشه که ما ایرانی جماعت توش ببریم؟

جهانگیـری: بـزار ضربـه؟ چقد مـن ضربه بگیرم؟!

آخوندی: یکـی به من بگه مگـه توافق بیمه کری نبود؟

نوبخت: آخه من هم به حدی توان دارم!

ظریف: این رو از آقای علوی بپرسـید خوب با این وضع تیم بسـتن، همین که ۲۵ تا بیشـتر نخوردیم هم خیلیا ۲۰ در صد که حوالشـون به اسـتوری گرفتن از بازیکن مقابلشون بود، ۵۰ درصد دیگه هم که نفوذی مربی حریف بودند. من بودم و ۲۰ درصدا! انصاف هم خوب چیزیا! تـازه بهم هم نگفته بودن آمریـکا با یک بمب نمیتونه کل سیستم دفاعی ایران رو نابود کنه!

علـوی: ممدجواد، داشـتیم؟ اگه قـرار بر مچ گیری باشـه... پایدیگم اینا که معرفشون خودتون بودید!

محمود صادقی: دوسـتان بحـث نکنید اول ببینید شـاید اصلا تقصیر رئیسـی یا قالیباف باشه!

آشنا: داداش شما چقدر می‌گیری همین الان جلسه رو ترک کنی؟!

محمودصادقی: خلا نمیشه به دو خط توییت واسه ما جور کنید ما دست خالی نریم؟!

روحانی: چـرا الکی شـلوغش می کنید؟! بـه درک که باختیم حالا چیزی نشـده که گفتند که تحریم هم از کشور ما رفت غم گذشته، گذشته ها...»

علوی: اعـ... حاج آقا فکر نکنم شاعر بودها!

روحانی: آفرین. اول صـادق خان بگه، هر چی باشـه ارتباطش با آمریکا از گوشـت و پوست هم گذشته!

زیبـاکلام: بنده پیشـنهاد میـدم به جای انحراف مسـأله و فکر کردن به برد و باخت بریم و با دنیا تعامل کنیم! تا کی تنش‌زایی؟ تـا کـی زایش تنـش؟ آیا تنـش زایی کار خوبیسـت؟ وقتی آمریکایی ها گفتند مساله موشکی رو روشن کنید چرا روشن نکردید؟ سـوریه به ما چه؟ عراق به ما چه اصلا پاش بیفته خوزستان هم به ما چه خوزستان کجا اینجا کجا...؟!

فریدون: تا دوسـتان این مسـاله رو روشن می‌کننـد من برم به محمولـه نقلی پالم رو تعیین تکلیف کنم بندگان خدا معطل نشن!

ترکان: پیشـنهاد من اینه کـه زمین بازی رو کلا عـوض کنیم. یعنی بـه جای برجام منطقه‌ای و موشکی بریم سراغ برجام سبزی قرمه‌ای!

جهانگیری: من پیشنهادی ندارم سناریویی که دسـت منه فقط نوشته شده ضربه گیر، بیخود هم توقع نداشته باشید!

ظریـف: به نظـرم بهش میخـوره امضای موگرینی تضمین باشـه! هر چی باشه اروپا پدر همین آمریکایی‌هاسـت! حالا بچه ناخلف باشـه دلیل نمیشه که ننه بابای هم ...! اگه دوسـتان موافقن من برم پای موافقت نامه جدید؟!

ناشناس: ولی اروپا که ۱۵ سال پیش...

هیات عقلا: اعـ...

محمد حسین مهدویان

آن همه لبخند که وا رفت

بمناسبت
به ثمر نشستن درخت سیب و گلابی برجام

آن هسته‌ایبه بیخود و اسباب بلا رفت
از کشور ما سایه هر جنگ و جفا رفت
گفتند که تحریم هم از کشور ما رفت
جیغ و کف و سوت هم جمع هوا رفت

گفتیم که آن وعده صد روزه کجا رفت؟!
گفتند همین بس که بدانی به فنا رفت

آنها همگی پخته و ماها همگی خام
گفتند بفرما و در این گمده بخور شام
هستیم از این بس همه میهمان عمو سام
تا اینکه نشستیم سرِ سفره برجام

گفتیم: ترامپ از سر این سفره چرا رفت؟!
گفتند همین بس که بدانی به فنا رفت

گفتند که اموال بلوکه، شده آزاد
رفته است غم و غصه ما یک شبه بر باد
افراد به رقص آمده و سرخوش و دل‌شاد
تشبیه شده حضرت برجام به نوزاد!

گفتیم: چرا مار او پس سر زا رفت؟!
گفتند همین بس که بدانی به فنا رفت

گفتند که تحریم حبابی است که ترکید
امروز شده شاد دل کورش و جمشید
پس مژده بده مژده بده، یار پسندید
خندیدی و خندیدم و خندیدی و خندید

گفتیم: چه شد آن همه لبخند که وا رفت؟!
گفتند همین بس که بدانی به فنا رفت

سبیل آمده ای شیخ ولی باز تو خوابی
آمد به مشام تو عجب بوی کبابی
رفتیم در باغ، ولی مرد حسابی
بر شاخه ندیدیم نه سیب و نه گلابی

گفتیم: چه بود اینکه در این باغچه ما رفت؟
گفتند همین بس که بدانی به فنا رفت

مهدی کبیری

جهان در قیف ظریف

نشسته است تمام چرک ها را با لیف
کرده است سیاست جهان را در قیف
ای مدعیان تماشتان اخراجید
باید بدهیم کارها را به ظریف

مصطفی صاحبی

جانونی!

همواره گران کردن آن قانونی است
چون تاج سر است و کشک و راه نیست
ای کاش که کیفیت بالایی داشت
افسوس، پراید عینهو «جانونی» است!

فاطمه سادات رضوی علوی

نه به اسید پاشی اجباری!

ای در دلت نِشَستم! از تو کجا گریزم؟

عزیزم سلام

اکنون که این نامه را برایت می نویسـم، برای حمایت از کلای ایرانی ـ بـه آدم‌های بی مزه و یخی‌ می‌گویند

۲- رنگ گوشی روی مخ - ریشه‌نسبت -بالا کشیدش نشانه آمادگی ازدواج برای پسران است

۳- بالکها فقط دنبال آن هسـتند - فرنگی‌ها به چای می‌گویند - عمو پورنگ ارادت خاصی به در آن دارد

۴- پودر برعکس - یکی از قومیایی که عذاب خدا بر آنها نازل شد - آنچه مهره‌های ضروری اداره داخل آن است و کلیدش دست کارمند غایب است

۵- بعضی‌ها دندانش می‌گرند - بعدی میگه... - حاکم بدون ح

۶- گل نفرتی - قرار بود قفلها را باز کند - نفت دریای شمال بدون سر

۷- زمین آدری - مردها می‌دهند - الکی روی میز است

اما بعد، می‌خواسـتم در این نامه کمی گله کنم. لطفا آنقـدر آبروی ما جلوی در و همسـایه نبرا درسـت است دکتر هم مثل فیلمبردار عروسی و فالوترهای اینسـتاگرام محرم است اما ما هم برای خود اسید رو داریم. نمی شود که تا کم مـی آوری ما را زخمـی می‌کنی! زخم بستر که نگرفته‌ایم دور از رفلاکس‌مان! هنوز آنقدرها سوراخ نشده‌ایم که نتوانیم دوام آوریم و تـو را نامین مالی و جانی نکنیم. به جان اسـید هیدروکلریکمان آنقدر خزانـه هایمان پر اسـت که اگر رژیم صهیونیسـتی هـم بگیری طوری نمی شـود. مگر دو هفتـه پیش موقع عروسی نوه عموی مادرت جلوی فامیل برایت کـم گذاشـتیم؟

فکر نکن حسـابش دسـتم نیست. چهل و هشـت روز نخود فرهنگـی در آب کرفس خـرت غلت مـی زد و ما قارمـان در نیامد؟ چه برسـد به قورمان. حالا نمی شود؟ مـا فیلمبردار عروسی و فالوترهای مـا صغیریم؟! اصلا مگر مسـوولیتش با ما نیسـت؟ ما این یک مـاه هم با روزه می‌گرانیـم و در عـوض کمتر دنیا را یک لقمه نان اسید رد و بدل می‌کنیم بعدش اگر طـوری‌ات شـد، دو دبه ترشی خالی کن روی ما!

خب دیگر معده درازی نمی کنم.

امضا: معده

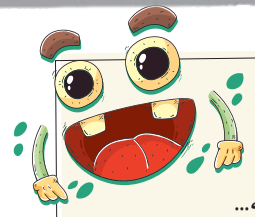

راه راه

افشار جابری

نیاورده‌اند که...

مغزِ با چشم و گوش

خسـر مراد را دزدیدند. مریدی آمد و گفت: «من دزدان را دیـدم، از همیـن ده چیـی بودند.» مـراد با ملتفت نشـد یا التفات نکـرد. مریدان هـوار زدند و گروهی هار شـدند کـه برویم به جبر باز سـتانیم و چوب در آسـتین کوتاهشان کنیم. مراد گفـت: «کمتر زرده تخم‌مرغ آب‌پز بخوریـد، کلسـترول دارد، هـی رگ غیرتتان الکـی باد می‌کنـد.» مریدان در پوسـت خود گنجیدند. چندی گذشت و این‌بارگوسفند مراد را دزدیدند. مریدان یقه چاک زدند که: «یامراد، رسم مردانگی نمرده اسـت، تو را به حق بزرگی و به رسـم مرادی قسـم، مردی کن و رخصت بده حقشـان را بگذاریم کف صورتشان.» مراد گفت: «این‌ها جیشـان را می‌شناسـند، گل بگیرید و دقت کنید شـما را ندزدند!». مریدان گل گرفتند. چندی بیشـتر گذشـت و این‌بار گاو مـراد را دزدیدند. مریدان گفتند: «یا مراد، همچنان ما را به هیچ می‌انگاری؟» مراد گفت: «به طریق اولی». مریدان گفتند: «دست کم ما را به راز این همه خاموشی و تو سری خوری آگه کن.» مراد که به جای حسـاس داستان رسـیده بود، سـر از گریبان بسرآورد و گفت: «وکیلـم؟» مریدان گفتند: «مزه نریز حرفت را بزن». مراد گفت: «شـما مثل اسـب فقط جلوی پایتان را می‌بینید و من آنورتر را هم، خر و بز و گاوی را که به این آسـانی بشـود دزدید، همان بهتر که بدزدند، برویم و برشان گردانیم که پس‌فردا شـاخ بشـوند و زبان در بیاورند و گله کنند که اوهوی، مرا به این جاه و مقام که خیلی از پی بازپس‌گیری من روانه می‌شـوند علفی بهتر باید و طویله‌ای کهتر و آبشـخوری هم‌مسمتر، آن را همان که داد در آغوش سارقانش دعاگو باشیم، روشن است؟» مریدی گفـت: «اَری یا مراد، فقط جسـارتا گفتنـی خر و بز و گاو، ولی خر و گوسـفند و گاو را دزدیدنـد.» مراد در حین پس رفتن سرش به گریبان گفت: «تو وایسا اول صف» فوقع ما وقع.

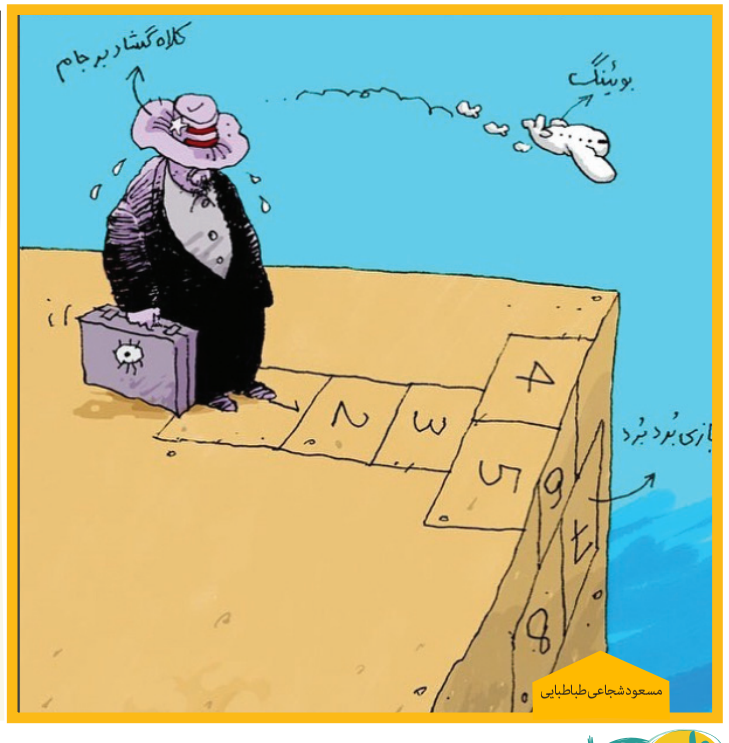

مسعود شجاعی طباطبایی

روایت هفته

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه
پاسخ موشکی سوریه به تجاوز رژیم صهیونیستی	پیدا شدن موش در اغذیه فروشی مترو	نیکی هیلی گفت اسرائیل در سازمان ملل شبیه کودکی در میان قلدر هاست	خروج آمریکا از برجام	روحانی گفت برجام را با اروپا ادامه می‌دهیم
ای مثل کنه، شپش، مگس، کک بچه! تو رو چه به میگ و موشک؟ اینکه بزنی و در بری نیست حالا که زدی بپوش پوشک	کلاغ و گربه خوردی، موش هم روش چه قرقی داره با اونها مگه موش؟ عزیزم، ساندویچت رو بخور تو! چیکار داری دیگه چی میذاریم توش؟!	بچه تخس بی ادب! فوت کنیم؟ مُردای! دل به مهار گنبد! هنی‌ات سیردای؟ طفلک صهیونیستی‌ایی بدری که اینچنین ریغو و هار و وحشی و تودهنی نخوردای!	ای کله زردی که شده مغزت پر از آهن می دونمی از ال سعود و میزنی بشکن دیروز گفتی کشورت خارج شد از برجام ما که نفهمیدیم کی وارد شدی اصلا!	شرمنده ازین راه که رفتی نشوی..!! درگیر دلار شیش و هفتی نشوی..!! آماده آتش زدن برجامیم یک گوشه بایست تا که نفتی نشوی
محمدرضا شکیبایی زارع	ناهید رفیعی	فهیمه انوری	امین شفیعی	پرهان طیبی

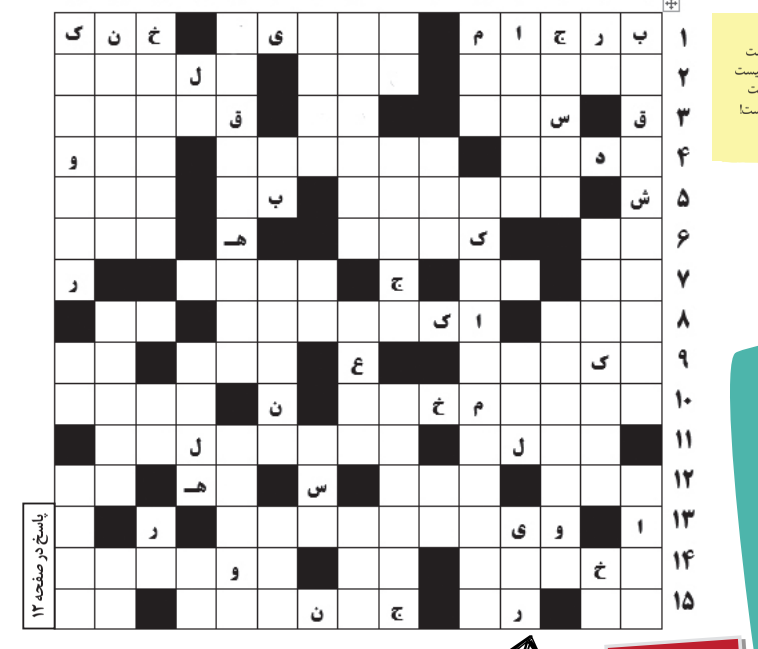

پاسخ در صفحه ۱۲

فرشته موسوی

جدول کلمات متناز

افقی
۱- روحانی گفت مثل ازدواج اسـت - تنها اقدام دولت برای حمایت از کلای ایرانی - بـه آدم‌های بی مزه و یخی‌ می‌گویند
۲- رنگ گوشی روی مخ - ریشه‌نسبت -بالا کشیدش نشانه آمادگی ازدواج برای پسران است
۳- بالکها فقط دنبال آن هسـتند - فرنگی‌ها به چای می‌گویند - عمو پورنگ ارادت خاصی به در آن دارد
۴- پودر برعکس - یکی از قومیایی که عذاب خدا بر آنها نازل شد - آنچه مهره‌های ضروری اداره داخل آن است و کلیدش دست کارمند غایب است
۵- بعضی‌ها دندانش می‌گرند - بعدی میگه... - حاکم بدون ح
۶- گل نفرتی - قرار بود قفلها را باز کند - نفت دریای شمال بدون سر
۷- زمین آدری - مردها می‌دهند - الکی روی میز است
۸- پدرش بسـوزد - نوعی رنگ شیمیایی - نیمی از نیمکت
۹- زلزلـه ادمی - کشـیدن - این نوع خاک را بر سـر نمی‌ریزند
۱۰- شخصیت ارمنی مشروطه - ملارم آذری
۱۱- برادر بولک - پول‌های زلزله‌زده‌ها هنوز در حسابش است
۱۲- جیغ خودروها - فامیلی بَشّارا اینها - معمولاً هشت گروی آن است - بسـته‌انگلیسی
۱۳- ویل دورانت
۱۴- غیر به نخرانیدن - بررسـی... - فضول در سـطح جهلی
۱۵- موقع خنده بـا کر می‌آید - راه کوتاه - امضایش تضمین بود - رتبه‌ادر عروسی می کشند

عمودی
۱- «فاقر» شـریعتی اینا - دولت کولبرها را از هسـتی ساقط کرد، این شهر اعتصاب کرد
۲- هم نقش، هم قرمان - قرمزی های روی پلوموخ - وارثانی از قدرس
۳- نمک مذاکرات هسته‌ای - آوار شکم
۴- سـگ زرد، برادر آمریکا - رودخانه آفریقایی - خیار سرتربه
۵- محمد خرمشی - وعده ابراتورهای تلفن
۶- قرار بود با کلید روحانی باز شـود - بارش کم باشد خالی می‌ماند
۷- نفس خسته - فضاپیمای «وویجر» - کامل کننده نیمی از ایمان
۸- نیازمند واقعی نه از این پولدارا - یعنی - وِل
۹- هابیل بی‌سر - نصفه اوِل سلام - چه بسیار
۱۰- بخشـی از اینترنت - خبرگزاری دولت ایران - با پیک اولش می‌شود گردش خارجی
۱۱- از مدارک مورد نیاز که هیچ وقت مورد نیاز نیست - دروغ ندارد!
۱۲- کلیل شـبکه - دست عراقچی و نوبخت هست - روی زمین می‌کشند
۱۳- سـلاح سـرد مذاکرات هسته‌ای - پسوند «ما» در عربی - گذشتن قسمت عمرسعد نشد
۱۴- از راه دریـا حمله کـرد به ایسـنه - از خوب‌های بیشعوری - قوربانه
۱۵- زمان‌بسـنج ورزشی - پای اسـب - هم شهر هم مجموعه‌مسیو